

عنوان مقاله:

بردار کردن رستم (بررسی فرایند دگرگشت شخصیت تهمتن در «غرر الملوك» ثعالبی در قیاس با شاهنامه فردوسی)

محل انتشار:

کاوش نامه ادبیات تطبیقی، دوره 13، شماره 1 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

شهرام دلشاد - دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی، مدرس مدعو گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

خلاصه مقاله:

رستم از بارزترین شخصیت‌های ادبیات حماسی ایران است که در متون حماسی ادبیات فارسی به ویژه شاهنامه فردوسی منزلت و جایگاه درخور ویژه‌ای دارد، اما این بدین معنا نیست که آثار دیگری که در راستای گزارش پهلوانان حماسی ایران به نگارش درآمده‌اند، به همان اندازه در تبیین جایگاه وی کوشیده‌اند. این اهمال و بی‌توجهی به وسیله بسیاری از نویسندگان عربی - اسلامی که در زمینه‌های دینی و فرهنگی جدید سر برآورده‌اند، پدیده‌ای عجیب و شگفت‌انگیز نیست، اما دگرگشت و اهمال آن در شاهنامه ثعالبی که نزدیک‌ترین متن عربی - اسلامی به شاهنامه است و توسط ادیبی از نیشابور که در خراسان می‌زیسته و از منابع مشترکی با ابوالقاسم فردوسی در تدوین تاریخ حماسی ایران بهره برده و از جهت‌های زیادی همچون نام‌ها، توصیفات، رویدادها با آن مشترک است، شگفت‌انگیز و جای بحث و بررسی دارد. پژوهش حاضر می‌کوشد، به نقد و ارزیابی فرایند کاسته‌شدن جایگاه رستم و دگرگشت شخصیت تهمتن در کتاب غرر الملوك ثعالبی بپردازد و علت‌ها و جلوه‌های آن را در مقایسه با شاهنامه فردوسی به بوته نقد و تطبیق بکشد. براساس یافته‌ها، با تکیه بر فرضیه بازآفرینی رستم در شاهنامه و اشتراک منابع فردوسی و ثعالبی، عواملی همچون مغایرت مبنایی شرح پهلوانی فردوسی با کتاب شرح شاهان ثعالبی، رویکرد تاریخی و دینی وی، تضاد گفتمانی و نگرشی میان شاعر و مورخ در رابطه با تجسم ابرقهرمانان حماسی، در دگرگشت این شخصیت حماسی در متن عربی، مورد بحث نقش بسزایی دارد. لازم به ذکر است که روش به کاررفته در نوشتار پیش رو، توصیفی - تحلیلی برپایه مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی است.

کلمات کلیدی:

غرر الملوك، شاهنامه، رستم، دگرگشت، ادبیات تطبیقی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1676716>

